



«عطار نیشابوری»، صدای مشترک روح بشری در تمام دوران‌هاست

طرضوی یک استاد زبان و ادبیات فارسی گفت: عطار تنها به دوران خود تعلق ندارد، بلکه زبان مشترک روح بشر در همه دوران‌هاست؛ زبانی که با سادگی، عمق و خلوص، مخاطب امروز را نیز به تأمل و بازاندیشی در خود فرا می‌خواند

ایسنا/خراسان رضوی یک استاد زبان و ادبیات فارسی گفت: عطار تنها به دوران خود تعلق ندارد، بلکه زبان مشترک روح بشر در همه دوران‌هاست؛ زبانی که با سادگی، عمق و خلوص، مخاطب امروز را نیز به تأمل و بازاندیشی در خود فرا می‌خواند. محمد تقوی در گفت و گو با ایسنا اظهار کرد: در میان نام‌های درخشان آسمان ادب فارسی «عطار نیشابوری» چهره‌ای است که هم در عرصه عرفان و هم در گستره شعر، ردپایی ژرف و ماندگار بر جای نهاده است. با این حال بسیاری از زوایای زندگی او همچنان در غبار ابهام فرو مانده‌اند، به ویژه در تعیین تاریخ تولد و وفات او منابع مختلف اختلاف نظرهایی دارند. وی با اشاره به اختلاف نظر منابع تاریخی در مورد سال تولد عطار گفت: درباره سال تولد عطار، روایات متفاوتی وجود دارد؛ برخی همچون «سعید نفیسی»، شاعر و پژوهشگر ادبیات فارسی سال ۵۳۰ هجری را محتمل دانسته‌اند و برخی دیگر همچون «فروزان فر»، عطارشناس تا سال ۵۴۰ را نیز محتمل می‌دانند، اما آنچه بیشترین توافق بر آن دیده می‌شود، سال ۵۵۳ هجری است. این سال همچنین با روایتی که دکتر علی شریعتی نیز مطرح کرده است همخوانی دارد. از سوی دیگر چون اغلب منابع سال وفات او را ۶۲۷ ذکر کرده‌اند، پیوستگی منطقی با تولد در ۵۵۳ پیدا می‌کند و همین امر اعتبار این روایت را افزایش می‌دهد. این استاد ادبیات دانشگاه فردوسی یکی از عوامل اصلی کم ماندن برخی ابعاد زندگی عطار را نابودی منابع تاریخی در پی حمله مغول دانست و ادامه داد: نباید تمام تقصیر را به گردن این حادثه تاریخی انداخت. در آن دوران ثبت و ضبط وقایع زندگی شاعران و عارفان به صورت منظم انجام نمی‌شد، برخلاف پادشاهان یا درباریان که اطرافیان شان وقایع زندگی شان را با دقت ثبت می‌کردند.

تقوی افزود: بنابراین آگاهی ما از زندگی این بزرگان بیشتر از خلال اشارات خودشان در اشعارشان است؛ مانند فردوسی که در ابیاتی به سن خود اشاره می‌کند و از همین سرنخ‌ها تاریخ را حدس می‌زنیم. در مورد وفات، چون شهرت آن‌ها در اواخر عمر افزایش می‌یافت، توجه دیگران بیشتر می‌شد و اطلاعات دقیق تری باقی می‌ماند. اما در باب تولد همیشه با ابهام مواجه ایم و این فقط مختص به عطار نیست.

وی با اشاره به نقش عطار در جریان عرفان فارسی گفت: عرفان فارسی مسیری دارد که با سنایی آغاز می‌شود؛ او را می‌توان بنیان‌گذار عرفان تعلیمی دانست. عطار با الهام‌گیری از این سبک آن را به مرحله‌ای تازه رساند و مولانا نیز به نوعی آن را به کمال رساند. پیوندی عمیق بین این ۳ چهره شکل گرفته و هر سه از قالب مثنوی و زبان شعر بهره گرفته‌اند تا آموزه‌های عرفانی را در قالبی دلنشین عرضه کنند؛ قالب‌هایی که هم شامل داستان‌های عامیانه است و هم دربردارنده نکات ناب عرفانی و قصه‌های دینی.

این استاد زبان و ادبیات فارسی در مورد تفاوت این ۳ چهره افزود: تفاوت‌ها اما در نحوه پرداخت به مضامین است؛ سنایی جامع‌تر است و به مسائل کلامی و فقهی نیز پرداخته، مولوی دامنه گسترده‌تری از مخاطبان را پوشش می‌دهد و اندیشه‌های فلسفی و دینی را پررنگ‌تر می‌سازد. اما عطار به تعبیر من انسانی‌تر است؛ او تنها دغدغه اش عرفان بوده و بدون تکیه بر زرق و برق‌های فکری با زبانی ساده اما عمیق، مخاطب را به تأمل در خود وامی‌دارد.

تقوی بیان کرد: سادگی زبان، یکی از ویژگی‌های برجسته آثار عطار است؛ سبکی که برآمده از شناخت او از زندگی مردم کوچه و بازار بوده است. عطار مانند مولوی آگاه بود که برای تأثیرگذاری باید با زبان مردم سخن گفت. او با طبقات مختلف اجتماعی در ارتباط بود و همین امر باعث شد که لحنش ساده، گاه لهجه محور و قابل فهم برای عموم باشد. مولوی نیز در مثنوی همین شیوه را دنبال می‌کند، او نیز از این که مخاطبانش تنها درگیر قصه‌ها شوند و از معانی عمیق غافل بمانند، گلایه دارد. در واقع هر دو با شناخت درست از مخاطب، کوشیده‌اند تا پیام‌های عارفانه را به زبانی آشنا و دل‌نشین عرضه کنند.

وی تأکید کرد: شخصیت‌هایی چون عطار، تنها به یک دوره تاریخی تعلق ندارند. آن‌ها صدای مشترک روح بشری‌اند. نیازهای معنوی انسان، دغدغه‌های وجودی و جست‌وجوی حقیقت، اموری‌اند که زمان و مکان نمی‌شناسند. آثار عطار نه تنها برای مخاطب دنیوی که برای انسان امروز هم الهام‌بخش‌اند؛ به ویژه در زمانه‌ای که بسیاری دچار بحران معنا و تهی‌شدگی روحی هستند.

این استاد ادبیات ادامه داد: او با تلفیق تجربه‌های ذوقی نسل‌ها به ما می‌آموزد که برای فهم خود باید به گذشته نگاهی تازه داشت و در میراث عرفانی، چراغی برای آینده یافت.